

سیاست جنگ نرم، ابزارها و کاربرد آن در جوامع امروزی

دکتر لطف الله فروزنده دهکردی^۱ - هومن درخشانیان^۲

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور - معاونت توسعه منابع انسانی ریاست جمهوری - تهران - ایران

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه پیام نور - مدیرعامل شرکت آرملات - تهران

derakhshanianh@yahoo.com

چکیده

در دنیای امروز الگوهای مبارزه و مقاومت در سیاست بین‌الملل تغییر یافته است. تحولات دهه‌های اخیر در حوزه روابط بین‌الملل، حاکی از اهمیت مقوله فرهنگ در دستیابی به اهداف و بهبود روابط میان دولت‌ها است؛ به نحوی که امروزه شاهد ظهور و تشکیل اتحادیه‌های فرهنگی در عرصه جهانی بوده تا از این طریق، زمینه تنازعات و چالش‌های بین‌المللی، برطرف و موجب هم‌گرایی دولت‌ها و ملت‌ها گردد. از این رو کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی و یا به تعبیری، دسترسی به قدرت نرم از جمله اهداف مهم و در عین حال تصریح نشده دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است. از این رو دولت‌ها درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی فرهنگ خود و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های تولید شده به فراسوی مرزهای جغرافیایی خود می‌باشند، تا این استراتژی را با نام جنگ نرم به عنوان یکی از ابزارهای اعمال قدرت را در کنار قدرت سیاسی و نظامی (قدرت سخت) همراه خود نموده و با استعانت از مکانیسم اقناع فرهنگی به جای کاربرد زور، اذهان و افکار عمومی جهانیان را در راستای منافع و اهداف خود هم سو نمایند.

واژگان کلیدی

استراتژی جنگ نرم، قدرت نرم، تهاجم سایبری.

۱- مقدمه:

که: قدرت نرم، توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند (اطلاعات و دانایی) را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز گیرد. [۳] هم چنین قدرت نرم، مباحث عقلانی و ارزش‌های عمومی را شامل می‌شود و هدف آن، افکار عمومی خارج و سپس داخل است.

در جنگ نظامی توانایی متکی به قدرت سخت مثل ابزار آلات، ادوات، تجهیزات و غیره است ولی در جنگ نرم، توانایی متکی به قدرت نرم است. قدرت نرم (Soft Power) عبارت است از توانایی رسیدن به اهداف و خواسته‌ها بدون اعمال فشار و ایجاد اجبار و اکراه. جنگ نرم یا تهدید نرم (Soft Threat) به لحاظ مفهومی ارتباط تنگاتنگ دارد. تهدید نرم، تهدیدی است نامحسوس، بدون منازعه مستقیم و استفاده از ابزار فیزیکی که به دنبال تغییر باورها، افکار و رفتارها می‌باشد. با توجه به واژه‌های جنگ، قدرت نرم و تهدید نرم می‌توان گفت که جنگ نرم، روشی برای جنگ و غلبه بر طرف مقابل بدون استفاده از ابزار و زور نظامی اولیه و به صورت جذبی و اقناعی است. در این جنگ دشمن تلاش می‌کند با اقدامات نرم افزارانه و روانی، حوزه افکار و باورهای جامعه را به منظور تحقق اهداف خود اشغال کند. باید گفت اهمیت جنگ نرم همان ویژگی غیر خشونت آمیز بودن آن می‌باشد [۵]

رهبر معظم انقلاب ماهیت جنگ نرم کنونی نظام سلطه علیه انقلاب و نظام اسلامی را اینگونه تشریح می‌نماید:

" یکی از مسئولان طراز اول رژیم صهیونیستی اسرائیل، توصیه‌ای به آمریکایی‌ها کرد. این توصیه کاملاً" در مطبوعات خارجی و اینترنت منعکس شد و امر پنهانی و مخفیانه ای نیست. توصیه وی به آمریکایی‌ها این بود که بیهوده وقت خود را با عراق و کره شمالی و کشورهایی از این قبیل تلف نکنید. مسئله اصلی شما ایران است اگر خاورمیانه را می‌خواهید، وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید، کانون و سرچشمه آنجاست، اما ایران مثل عراق و کره شمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسلامی متکی به مردم است، مردم آن را حفظ کرده‌اند. باید کاری کنید که مردم آن را رها کنند. راهش این است که مردم را با ترویج فرهنگ و ادبیات غربی و فرهنگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسبت به دین و

فرهنگ به عنوان موتور محرکه توسعه، زمینه ساز حرکت جوامع و الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که با فروکش کردن چالش‌های ایدئولوژیکی، نقش آن به عنوان پارادایم جایگزین به تدریج، اهمیت یافته است. از این رو نظریه‌های فرهنگی گوناگونی با هدف توضیح و تفسیر جایگاه فرهنگ در سیاست داخلی و خارجی و نیز در سطوح جهانی ظهور نمودند. [۱] پیش فرض اساسی نظریه‌های فرهنگی، آن است که رفتار و کنش‌های انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی و برقراری رابطه با دیگران، متأثر از الگوهای روابط اجتماعی و گرایش‌های فرهنگی است. این نظریه‌ها به دنبال شناخت زمینه‌ها، فرایند شکل‌گیری و بروز الگوهای رفتاری، ارزش‌ها، اعتقادات و ترجیحات ما در زندگی اجتماعی هستند؛ بنابراین معتقدند که از این طریق می‌توان رفتار سیاسی انسان را شناخت [۱۱]. این نوع نگرش به سیاست (سیاست فرهنگی) استلزامات نظری و عملی خاصی به همراه دارد: از جمله موجب می‌گردد که تعریف سیاست، نه منحصر در سطح و محدوده پدیده‌ای به نام دولت، بلکه به مثابه پدیده‌ای در همه روابط، جلوه‌ها و نهادهای اجتماعی تعریف شود. [۲] بر این اساس، چهره زمخت سیاست و قدرت، به وسیله ابزارها و روش‌های فرهنگی، تلطیف می‌شود و زیرساخت‌های فرهنگی، موجب سامان دادن به فعالیت‌های سیاسی در سطح سیاست داخلی و سیاست جهانی می‌گردد.

۲- جایگاه و نقش فرهنگ (قدرت نرم) در سیاست خارجی

اساساً از واژه فرهنگ در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل به عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و آن چه از محتوای کلمات متفکران و اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم، بر می‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویر سازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیر گذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بردیگران و ... می‌باشد. به طوری که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت‌های فیزیکی است به کار می‌رود. جوزف نای از پیشگامان طرح قدرت نرم، در کتاب "کاربرد قدرت نرم" بر این عقیده است



سنت و تاریخشان سوق داد. وقتی مردم این تعلقات را رها کردند، بعد از چند سال بدون اینکه سرمایه‌ای صرف کنید با یک حمله و تحرک احیانا" نظامی مختصر، می‌توانید این مانع بزرگ یعنی نظام اسلامی را از سر راه بردارید. [۸]

۲-۱۲ ابزارها:

در جنگ نرم از پیشرفته ترین ابزار و تکنیکهای روز استفاده می‌گردد، در شرایط کنونی، فضای مجازی و سایبری، محیط اصلی جنگ نرم به حساب می‌آید.

یکی دیگر از ویژگیهای جنگ نرم، هیجان ساز بودن آن است که با نماد سازی، اسطوره سازی و خلق ارزشهای جدید، از احساسات جامعه هدف، نهایت استفاده انجام می‌شود. مدیریت احساسات، یک رکن دیگر در مهندسی جنگ نرم به حساب می‌آید و تلاش می‌شود از احساسات و عواطف جامعه هدف به عنوان پلی برای نفوذ در افکار و اندیشه ها برای تغییر و دگرگونی در باورها استفاده گردد. در جنگ نرم، ایجاد تردید و بدبینی نسبت به بسیاری از مسایل، یک اصل و قاعده است حرکت در این جنگ با خلق تردید و ایجاد نا امید و یاس شروع میگردد. با تکیه بر سنت ها و لکن با نو پردازی به صورت ظریف و آرام، در باورها و اعتقادات اساسی تردید ایجاد می‌شود و به مرور بر دامنه این تردیدها افزوده می‌گردد تا به ایجاد تغییرات اساسی در باورها و ارزش ها دست یابد.

یکی دیگر از ویژگیهای مهم جنگ نرم، آسیب محور بودن آن است. آسیب های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، میدان مانور جنگ نرم است. دشمنان در جنگ نرم با شناسایی نقاط آسیب جامعه هدف در حوزه های ذکر شده، فعالیتهای خود را سامان داده و با خلق آسیب های جدید، بر دامنه تحرکات خود می‌افزاید. اما ممکن است جنگ نرم به تروریسم نرم هم منجر شود که مختصری در این رابطه درج می‌گردد: تروریسم (Terrorism) مجموعه اعمال، ابزار و فنونی است که به صورت منظم و سازمان یافته برای ایجاد احساس ترس دسته جمعی که خشونت و کشتار بی حساب موجد آن است، به کار برده می‌شود. هدف از اعمال تروریسم از هم پاشیدن ساخت اجتماعی و سیاسی است که با ایجاد اغتشاش در نظم عمومی، انجام حملاتی علیه افراد یا گروهها و دستیازی به اعمالی چون تلافی و انتقام، انجام می‌شود.

قبل از ظهور اینترنت، شاید واژه تروریسم، صرفاً" کشت و کشتار به وسیله بمب گذاری و اسلحه گرم و سایر سلاح ها و روشهای خشونت بار را تداعی می‌کرد، اما امروزه با گسترش رسانه ها و وسایل ارتباطی، با نوع جدیدی از تروریسم روبرو می‌شویم که با بهره گیری تام از ابزار برای تغییر نگرش، ایجاد بدبینی، موضع گیری های هیجانی، تغییر آداب و رسوم، تغییر در ارزش ها و هنجارها، پشت پازدن به میراث فرهنگی، کم رنگ نمودن معنویات، حمله به شخصیتها و نظام های سیاسی، متمایل کردن دیگران به شیوه ها، روشها، ارزشها، هنجارها، دین و مکتب خود و غیره، به تحقق اهداف خود می‌اندیشد. یکی از اهداف اصلی تروریسم نوین و جنگ نرم بیگانگان، تغییر در طرز تلقی و آمادگی روانی (Attitude) و تقویت آیین ناهمنوایی (Non-Conformism) جامعه هدف است. واژه آمادگی روانی به معنی آمادگی درونی بالفعل برای انجام عملی است قابل رویت و به هر شیوه، و وضعی است که یک شخص در برابر اشیای دارای اهمیت و ارزش به خود می‌گیرد. آمادگی روانی از نظر می‌نارد عبارتست از آمادگی روانی درونی برای انجام عمل به نحوی خاص است و به تجربه یک موجود از وضع یا شرایطی وابسته است که باید با آن مقابله کند. اما ناهمنوایی اجتماعی چیست؟ ناهمنوایی تنها نفی همنوایی نیست بلکه مخالفت با آن نیز هست هوادار این آیین کسی است که با عادات رایج و جاافتاده، عقاید پذیرفته، ارزشهای مسلط در یک محیط اجتماعی، مخالفت می‌ورزد. رفتارش منبعث از انگیزه های آگاهانه و مغایر با ویژگیهای محیط اجتماعی پیرامون اوست (که آن را قدیمی، کهنه و تنگ احساس می‌کند) [۵]

۲-۳- عملیات روانی و مصادیقی از آن در دوران

مدرن

پس از قرون وسطی غرب وارد دنیای مدرن میشود و در میانه این دو، دوران نوزایی وجود دارد. در دوره مدرن به یکباره همه چیز شروع به دگرگونی میکند و چنانچه مارکس می‌گوید «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود.» وجود هر "دیگری" خواه طبیعت، خواه متافیزیک، منوط به وجود انسان است. و انسان به "سوژه" کل تاریخ تبدیل میشود.» [۹] افزون بر این محرکه دنیای مدرن دیالکتیکی است و حاصل تز، آنتی تز؛ و

ویژگیهاست: «فقدان تناسب معمول نظامی بین دو جبهه درگیر؛ تضاد منافع حیاتی دو جبهه؛ بیشترین بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن در جبهه قوی و به حداکثر رساندن برتریهای خودی در جبهه ضعیف؛ توجه ویژه به ابعاد روانی، عمومی و بسیج نیروها و دستیابی به اهداف راهبردی با استفاده از منابع کم و تأکید بر اصل کمترین هزینه در مقابل بیشترین بهره.» [۶].

۲-۴ مفهوم عملیات روانی

اندیشمندان، دیدگاه‌های متفاوتی درباره عملیات روانی دارند. به همین دلیل ارائه تعریفی مشخص و یا حدی معین برای این عملیات، ساده نیست. برخی معنای عملیات روانی را به فعالیتهایی محدود میکنند؛ که به طور مشخص در قلمرو و صلاحیت نیروهای مسلح قرار دارد. بنابراین آن را تلاشی میدانند که بیشتر بر تبلیغ برای مخاطبان خاص و پشتیبانی از مأموریت‌های نظامی معین، متمرکز است. یکی از تعاریف اولیه عملیات روانی در دهه ۱۹۵۰ از سوی وزارت دفاع آمریکا ارائه شد. آنها استفاده اصولی از تبلیغات و فعالیتهای ارتباطی توسط دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها به منظور تأثیرگذاری بر دیدگاهها، احساسات، موضعگیریها، رفتار گروه‌های دوست، دشمن و یا بیطرفی در راستای تحقق سیاست‌های دولت یا دولتهای مزبور و اهداف آنها را عملیات روانی نامیدند [۷].

۳- نتیجه‌گیری

انقلاب اطلاعاتی- ارتباطی، عرصه دگرگونی فناوری است که سبب بروز تحولی عمده در ساختار قدرت شده است و ارکان سه گانه انقلاب صنعتی را، که شامل حاکمیت ملی، اقتصاد ملی و قدرت نظامی و استراتژیک بود، تغییر داده است. وبه عبارتی، انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی به عنوان پدیده‌ای ملموس، فراگیر و اثرگذار بر منابع قدرت تأثیر بسزایی می‌گذارد؛ چنانکه در قرن ۲۱، احتمالاً فناوریهای اطلاعاتی- ارتباطی مهمترین منبع قدرت شناخته خواهد شد. قدرت نرم افزاری به گونه‌های محسوس در اقصای فرهنگ از طریق برنامه‌های تلویزیونی اثرگذار است و تردیدی نیست که سازوکارهای فناوری‌های ارتباطی اطلاعاتی، همچون ماهواره و پرتو امواج نامرئی شبکه‌های الکترونیکی جهانی، تار و پودهای قدرت تمدنهای آینده را تشکیل خواهد داد. بنابراین در عصر انقلاب اطلاعاتی ارتباطی، دسترسی به قدرت

سنتز، در این دوره است که انقلاب صنعتی و در نهایت انقلاب ارتباطات رخ میدهد و چهره جهان را دگرگون مینماید. در این دوران عملیات روانی نیز دگرگون میشود و در نیمه قرن بیستم به یک علم تبدیل میگردد. نخستین نقطه تحول ابزاری عملیات روانی در این دوره به وجود آمدن مطبوعات است. روزنامه با در اختیار قرار گرفتن صنعت چاپ، رسانه‌هایی به وجود می‌آیند که قابلیت بالایی را در جنگها و در سازمان دهی اجتماعی دارند. با پایان جنگ جهانی دوم، جهان به دو قطب تقسیم شد، در یک سو ایالات متحده و در سوی دیگر اتحاد شوروی با دو مسلک متفاوت؛ یکی لیبرال و دیگری کمونیست که هر دو نیز مرام خود را تبلیغ مینمودند و از این رو عملیات روانی بیکرهای تازه یافت. دو حریف به بمب هسته‌ای دست یافته بودند و جنگ سرد به راه افتاده بود که سیاست بازدارندگی هسته‌ای را به دنبال داشت. این نوع تهدید دارای پیام صریحی بود که تهدید به رنج و آسیب را انتقال میداد و موجب میشد طرف مقابل از هرگونه اقدام خصمانه‌ای دست بردارد.» [۱۰] این نخستین باری بود که عملیات روانی موجب میشد تا جنگ به وقوع نپیوندد. تبلیغات و حفظ آمادگی در جنگ سرد برای برابری با دشمن نه تنها به توسعه توجه به عملیات روانی دامن زد، بلکه موجب شد تا فناوریهای مربوط به بخش نظامی بسیار پیشرفت نمایند. این فناوریها در نهایت موجب شکل گیری انقلاب ارتباطات شد. توسعه شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی مخابراتی، پرتاب ماهواره‌های مخابراتی و جاسوسی به فضا و توجه زیاد به آنها، به وجود آمدن اینترنت و ... همه و همه به علت ترس دو هم نبرد بزرگ از نیروی نظامی یکدیگر در دوره جنگ سرد ایجاد شده و در عملیات روانی به کار گرفته شد؛ به گونه‌ای که واسطه همین عملیات روانی با طرح دفاع استراتژیک رونالد ریگان که بیشتر به یک بلوف شبیه بود و در کل عملیات فریب را شامل میشد شوروی از ناتوانی مقابله با این طرح، به پایان رسید و اندکی بعد نیز با اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید. با فروپاشی شوروی، «نظام دو قطبی منقطع» به «نظام سلسله مراتبی غیردستوری» تبدیل شد که در آن توجهات زیادی به نهادهای بین المللی معطوف گشت. اما از سوی دیگر و در ارتباط با عملیات روانی و ابزارهای آن، جنگ نامتقارن جای جنگهای متعارف کلاسیک را گرفت. جنگ نامتقارن، جنگی است که یک طرف آن بسیار قوی و طرف دیگر آن ضعیف باشد و دارای این



فناوری اطلاعاتی، اصلی ترین ابزار برخورداری از قدرت نرم و آرام یا قدرت معنوی در مقابل قدرت سخت و خشن و یا قدرت مادی است.

۴-منابع

- ۱- محمد توحید فام، فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: نشر روزنه، ۱۳۸۲، ص ۴۵.
- ۲- محمد رضا تاجیک، جنبش دانشجویی و سیاست فرهنگی، ماهنامه آیین، ش ۱۰، دی ماه ۸۶.
- ۳- جوزف نای، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سید رضا میرطاهر تهران: نشر قومس، ۱۳۸۲
- ۴- حمید رضا ترکمندی، جنگ نرم و تروریسم سایبری دشمن، پایگاه جامع جنگ نرم
- ۵- دکتر آرمین امینی، تاریخ شناسی و آینده عملیات روانی، پایگاه اطلاع رسانی عملیات روانی و جنگ نرم
- ۶- صلاح‌نصر؛ ترجمه محمود حقیقت کاشانی، جنگ روانی، تهران، انتشارت سروش، ۱۳۸۰
- ۷- علیزاده، عبدالرحیم. ویژه نامه شبستان اندیشه. معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۳۸۸
- ۸- واترز، ۱۳۸۱، مقدمه مترجم، ص ۲۳
- ۹- دئورتی و فالتزاکراف، ۱۳۸۳، ص ۶۰۱
- ۱۰- [Thompson R. Ellis and A. Vildarski. M] [cultural theory (Boulder: westview. 1990) p

This page is intentionally left blank